خبرنامه

تابناک

این روزها، دبیرکل جامعه مهندسین و رئیس یکی از تشکل‌های بزرگ اصولگرایان، دور از بهارستان به سایر امورات سیاسی‌اش می‌پردازد. محمدرضا باهنر که نامش با لابی در مجلس گره خورده، بعد از چند دوره حضور در مجلس شورای اسلامی ترجیح داد در رقابت‌های انتخاباتی مجلس دهم شرکت نکند و به سامان دادن امورات دیگر بپردازد. هرچند همین تصمیم سیاسی او هم منجر به این شد که خیلی‌ها از برنامه او برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری پیش روی سخن بگویند؛ موضوعی که خود امروز آن را تکذیب و حتی اعلام کرد، تکلیف ریاست جمهوری سه یا چهار ماه مانده به انتخابات مشخص می‌شود.

امروز رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری، مهمان تابناک بود تا در حضور خبرنگاران سایر خبرگزاری‌ها و سایت‌ها، کنفرانس مطبوعاتی‌اش را برگزار کند؛ اما پیش از کنفرانس خبری در گفت‌وگوی تفضیلی با تابناک به سؤالات متعددی در خصوص انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶، سرنوشت اصولگرایان و انتخابات مجلس دهم پاسخ داد. آنهایی که تجربه گفت‌وگو با این مهندس سیاستمدار را دارند، می‌دانند که شنیدن پاسخ‌های رک و صریح از زبان او بسیار سخت است. با این حال تلاش کردیم تا جایی که می‌توانیم، گفت‌وگوی بی‌پرده‌ای با یکی از چهره‌های کارکشته سیاسی بعد از انقلاب داشته باشیم.

محمدرضا باهنر در گفت‌وگو با «تابناک»؛

از احمدی‌نژاد در انتخابات ۹۶ حمایت نمی‌کنم

یک گمانه‌زنی وجود دارد مبنی بر اینکه روحانی اولین رئیس جمهور تک دوره‌ای خواهد شد. به نظر شما چقدر این اتفاق امکان‌پذیر است؟

ما یک تجربه و عرف داریم در کشور که معمولا ریاست جمهوری دو دوره ای است. غیر از آن هایی که یک اتفاقی افتاده مثلا رئیس جمهور اولمان عدم کفایت سیاسی خورده یا رئیس جمهور دومان شهید شده، مابقی دو دوره ای اند. لذا بر اساس این عرف و تجربه بگیریم قاعدتا دو دور آقای روحانی تکرار می شود. اما در عالم سیاست هیچ چیز غیر ممکن نیست کما اینکه ما در انتخابات ریاست جمهوری مرحله دومی نداشتیم اما دوره نهم انتخابات رفت به مرحله دوم رفت.

دولت آقای روحانی یک سری اهدافی داشته که روز اول اعلام کرده و دنبال کرده است. در بعضی از آن ها موفق بودند که شاید در راس آن ها یکی مسئله به نتیجه رساندن برجام بوده، حالا اینکه اجرایی شدنش بار با گرفتاری هایی روبه رو شده این را واردش نمی شویم، ولی در دوران مذاکره الحق و الانصاف خوب کار کردند. موضوع دیگر در پارامترهای اقتصادی مثلا تورم را که نشانه گیری کردند، موفق بودند یعنی تقریبا به همه اهداف از پیش تعیین شده رسیدند. اگرچه من از لحاظ کارشناسی معتقدم زمانی که در یک رکود تورمی هستیم اصولا هدف گیری برای کاهش سریع تورم شاید درست نباشد و معتقدم که در این فرصت خوب بود شاید از ۴۵ درصد تورمی که تحویل گرفته بودند، مثلا یک تورم ۲۰ درصدی را هدف می گذاشتند. هدف تک رقمی تورم در زمان رکود، یک مقدار رکود را خشن تر می کند. ولی از این بگذریم هدف گذاری کردند و خوب آمدند جلو و تقریبا به همه اهدافشان رسیدند.

اما یک سری شاخص های دیگر مانده که باید اتفاقات جدیدی بیفتد که مهم ترینش رکود است. هر کدام از این شاخص ها یک واقعیت دارند، یک حس دارند. مثلا وجود امنیت با حس امنیت متفاوت است و همیشه بر هم منطبق نیستند. لذا آنچه مردم حس می کنند رکود بسیار سنگین خشن یخ زده ای است که تقریبا ما هیچ خانواده ای نداریم که امروز یکی دو تا فارغ التحصیل بیکار در خانه اش نباشد. اثرات جانبی دیگری هم دارد، مثلا ناهنجاری اجتماعی، دلزدگی و ناامیدی و در واقع دولت امید، باید امید را به صورتی احیا کند. لذا اگر تا پایان سال دولت از طریق پسابرجام یا تکانه های اقتصادی بتواند رونقی را به وجود بیاورد و روزنه های امیدی دیده شود، به نظر من دولت آقای روحانی هم مثل بقیه دولت ها دو دوره ای می شود. اما اگر در این بخش فکر جدی نشود و کار ملموسی انجام نگیرد، ممکن است با چالش روبه رو شود.

کمتر از یک سال به انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ مانده است. برنامه اصولگراها برای این انتخابات چیست؟

متاسفانه در کشور ما وضعیت انتخابات و تشکیلات به صورتی است که انتخابات ریاست جمهوری حداقل در این سه انتخابات اخیر، یعنی آقای خاتمی و آقای احمدی نژاد و آقای روحانی، آنچه شکل گرفته در دو ماه مانده به انتخابات شکل گرفته است. در واقع تا قبل از این دو ماه خیلی ها کار تشکیلاتی و تبلیغاتی کردند و فعال بودند و زمینه سازی کردند، اما دو سه ماه مانده به انتخابات اوضاع کلا عوض شده است. الان هم آقای روحانی و آقای احمدی نژاد برای انتخابات فعال شده اند، اما بقیه فعالان سیاسی در حال رصد کردن هستند و لذا الان یک مقدار هنوز زود است که بشود تحلیلی کرد و به واقعیت آن اتفاقی که می افتد نزدیک شد.

چطور زود است؟ شما دو سال قبل از انتخابات سال ۸۴ پیش بینی کرده بودید که احمدی نژاد رئیس جمهور بعدی خواهد بود...

این جملاتی که گفته می شود بار محتوایی دارد. اینکه من دو سال قبل از ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد گفتم که ایشان رئیس جمهور می شود، نه این طور چیزی نیست. شاید ادل و دلیلش هم این باشد که ایشان وقتی در انتخابات نامزد شد، کاندیدای ما ایشان نبود.

پس آن نقل قول آقای یونسی (وزیر وقت اطلاعات) از شما درباره احمدی نژاد چه بود؟

آن یک چالشی بود بین ما و دولت آقای خاتمی که ایشان را برای شهرداری تایید نمی کردند و بنده مامور شدم از سوی مسئولان سیاسی جناحمان که برویم با وزیر اطلاعات یک جر و بحثی بکنیم. آنجا رفتیم و آن ها گفتند ایشان مشکل دارد، من گفتم می دانم مشکلاتش چه است، لابد در آذربایجان غربی یک سری معاملات مرزی انجام داده است و پول هایی گرفته و کار عمرانی کرده است. گفتم شما یکی از استاندارهای آقای هاشمی را بیاورید که در مرزها باشند و از این کارها نکرده باشند و این تخلفی نیست. بعد هم مثال زدم که وقتی شهردار قبل از آقای احمدی نژاد که یک فوق دیپلم داشت و خودش اعلام کرده بود ۱۷-۱۸ میلیارد ثروت دارد، از فیلتر وزارت اطلاعات می گذرد ولی آقای احمدی نژاد گیر کرده است، باید اینجا یک فکری به حال وزارت کرد نه برای آدم ها. بعد هم از این بحث های سیاسی که شوخی می کنیم و می خواهیم طرف را بسوزانیم، به آقای وزیر اطلاعات گفتم که به آقای رئیس جمهور سلام برسان و بگو این شهرداری دست گرمی احمدی نژاد است، او بعد رئیس جمهور می شود. البته همان موقع هم فک نمی کردم دو سال دیگر رئیس جمهور می شود، فکر می کردم ۱۰-۱۲ سال دیگر ممکن است رئیس جمهور شود. لذا داستان از این قرار است وگرنه اگر ایشان کاندیدای ما بود اقلا من باید مسئول ستادش می شدم.

بالاخره یک حس ششمی در آن زمان داشتید. الان حس ششم شما برای انتخابات ۹۶ چه می گوید؟

نه الان حس ششمم دیگر کار نمی کند!

شما هم بعد از انتخابات ۹۲ و هم حالا بعد از انتخابات مجلس از تلاشتان برای تشکیل حزب فراگیر اصولگرایان گفته اید. این تلاش به کجا رسیده است و آیا اساسا تشکیل چنین حزبی را با توجه به اختلافاتی که با پایداری ها و نیز لاریجانی دارید امکان پذیر می دانید؟

من فکر می کنم نظام مردمسالاری دینی که ما داریم و یکی از شاخصه هایش این است که همه مسئولان یا مستقیم یا با یک واسطه با رای مردم انتخاب شود، این نظام لابد از داشتن یکی دو حزب قوی است. من نگرانم برای آینده نظام مردمسالاری دینی بدون حزب و تشکیل چند حزب قوی جزء آرزوهای من است. اما اینکه موقعیتش فراهم است یا نیست بحث دیگری است. یک سری عوامل دست من نیست. خدا عاقبت به خیر کند و سلامت دهد آقای کروبی را، من شاید ۱۵ سال قبل به ایشان گفتم بیایید همت کنید و چند حزب تشکیل دهیم. ما فعالیت سیاسی می کنیم اما دوست داریم این زمانی به حزب فراگیر اصولگرایی تبدیل شود. همین طور برای اصلاح طلبان نیز این آرزو را داریم که حزب جامع تشکیل دهند. و شاید حزب سومی هم ممکن است اعتدالیون باشند. اینکه می گوییم حزب جامع، به این معنی نیست که جلوی بقیه احزاب را بگیریم. الان ۳۰۰-۴۰۰ حزب وجود دارد اما همه روی کاغذند و چیزی به عنوان حزب وجود ندارد. در کشورهای سابقه دار دموکراسی هم اینکه چند حزب بزرگ و مطرح وجود دارد، معنی اش این نیست که حزب های دیگری وجود ندارد، ولی احزاب مطرحشان ۳-۴ تا بیشتر نیستند. اینکه می گویید پایداری اینگونه شده است، ما در طول ۳۰ سال گذشته این اتفاقات را داشته ایم. اوایل انقلاب حتی در جریان ها جابه جایی ایجاد می شد. مثلا ما یک سری آدم های کلیدی داشتیم که در سال ۶۰ چپ (چپ اقتصادی) بودند و ۶۸ راست افراطی بودند. پایداری که می فرمایید، این ها ریشه و اساسشان از نظر شکل گیری ۳-۴ سال بیشتر نیست. وقتی روز اول یک حزب تشکیل می شود مثل سنگ ریزه هایی که با سنگ شکن خرد می شود، اول تیز هستند و به مرور که در رودخانه غلت بخورند، نرم می شوند. ما هم یک موقع هایی تند بودیم، بعد کم کم عادت کردیم نرم و متعادل شویم. در مورد پایداری ها هم هنوز دیر نشده است، کما اینکه در این دوره هم احساس کردیم مواضعشان خیلی نرم تر شده اند. مثلا یک سری از نیروهای تندی که در مجلس نهم بودند عملا از پایداری کنار گذاشته شدند.

در مورد انتخابات ۹۶ یک گمانه ای مطرح است که چون روحانی رای دارد، اصولگرایان برای این انتخابات گزینه های اصلی شان را رو نخواهند کرد و بار دیگر چهره های شناخته شده ای مثل توکلی و لاریجانی را نامزد خود اعلام خواهند کرد.

این ها هیچ کدام سیاست راهبردی نیست، اینکه بخواهیم از چهره های مطرحمان عبور کنیم یا روی چهره های مطرح گذشته مان بایستیم و هنوز در مورد این سیاست ها به تصمیم نرسیده ایم.

یعنی این استراتژی اصولگرایان نیست که چهره های جدیدی را به عنوان نامزد رو کنند، حالا یا در این انتخابات یا در انتخابات های بعدی؟ چون در واقع بقیه چهره های شناخته شده در انتخابات های قبل به محک گذاشته شده اند و لذا اصولگرایان اگر قرار باشد از احمدی نژاد هم حمایت نکنند، گزینه دیگری ندارند.

همه چیز امکان پذیر است و شما هیچ کدام از این گمانه ها را اصل نگیرید. حتی در کشورهای پیشرفته گاه پیش می آید یک حزبی فاصله بین به قدرت رسیدنش ۱۵ سال شده است.

شما همه این سوال ها را با محافظه کاری پاسخ دادید. در مورد خودتان که می توانید با قطعیت بگویید نامزد می شوید یا نه.

شما احتمالا زمانی من را رک تصور می کنید و قانع می شوید که بگویم کاندیدای دور بعدی ما مثلا حسن علی بهزاد نژاد است! ولی این موضوع وجود ندارد و اگر هم داشت طبیعی بود که من مخفی بکنم. چون آدم سیاسی آن حرفی را که بخواهد می زند نه آن چیزی که مخاطبش می خواهد. در مورد خودم هم من بارها گفته ام که من تصمیم به ورود به انتخابات ریاست جمهوری را ندارم.

پس محمدرضا باهنر از این به بعد قرار است کجای سپهر سیاسی ایران قرار گیرد؟

دبیر کل جامعه مهندسین که هستم، دنبال آن آرزویم برای تشکیل حزب فراگیر هم هستم.

در مورد احمدی نژاد، به نظرتان تحرکات اخیرش هدف انتخاباتی دارد؟

بله این تحرکات ۱۰۰ درصد انتخاباتی است، ولی اینکه دولت نهم و دهم بتواند تکرار شود آن بحث دیگری است.

برخی مثل آقای توکلی گفته اند دلایل کافی برای رد صلاحیت احمدی نژاد وجود دارد. به نظر شما احمدی نژاد رد صلاحیت می شود؟

من فکر کنم این را باید از شورای نگهبان بپرسید. آن هم نه حالا چون الان جواب نمی دهد، بعد از ثبت نام بپرسید.

پیش بینی شما چیست؟

برای چه پیش بینی کنم؟ آقای جنتی که به پیش بینی من عمل نمی کند!

آقای لاریجانی در مصاحبه‌ای گفته اند حضور احمدی نژاد با توجه به دو دوره ریاست جمهوری و اینکه موفقیت چندانی هم نداشته است، دیگر برای مردم جاذبه ندارد. شما با این نظر موافقید؟

در مجموع بله، آن هایی که در سیاست هستند و کار می کنند آن مشکلات جدی را که در زمان احمدی نژاد به وجود آمده و هنوز هم ادامه دارد، کاملا حس می کنند. اما این آدم ها نباید تصور کنند که همه کشور این گونه فکر می کنند. چون هر کسی مخاطب خاص خودش را دارد که روی مسائلی حساسیت دارد یا ندارد.

شما یک زمانی در مصاحبه‌ای گفته بودید خط قرمزتان برای حمایت از احمدی نژاد، مشایی است. الان خط قرمزتان چیست؟

من خط قرمزی ندارم، من از ایشان حمایت نمی کنم. وقتی حمایت نمی کنم خط قرمز نمی خواهد.

آیا از آن اظهار نظرتان به وزیر اطلاعات دوره اصلاحات در حمایت از احمدی نژاد برای شهردار شدن پشیمان نیستید؟

تمام این مسائل را باید با موقعیت زمانی سنجید. مثلا اول انقلاب امام (ره) آقای قطب زاده را مسئول صداوسیما کردند. در کرمان منافقین ما را سر قطب زاده زدند و ما از او دفاع می کردیم. بعد از دو سال هم اعدامش کردیم. لذا شما اگر می خواهید بگویید باهنر طرفدار قطب زاده بوده است، باید بگویید کی و کجا و چرا. بنابراین اگر برگردم به آن موقع همان جمله را باز هم در مورد احمدی نژاد تکرار می کنم.

انتخابات ۷ اسفند ۹۴ را چگونه دیدید؟

انتخابات ۷ اسفند یک مقدار نتایج را متفاوت از مجلس های هفتم و هشتم و نهم شکل داد. اما اگر بخواهید از واژه جابه جایی قدرت استفاده کنید، نه من فکر می کنم این اتفاق نیفتاده و جناح رقیب اصولگرایان به پیروزی نرسیده اند. الان سه فراکسیون می تواند در مجلس شکل داده شود، اصولگراها و اصلاح طلب ها و مستقل ها. از نظر کمی هم رای فراکسیون اصولگرایی رای بالایی است. اما معتقدم اگر در مجلس یک جریان اکثریت شد، این نباید تبدیل به حذف اقلیت شود.

موضوع دیگر اینکه آقای عارف گلایه کرده اند که برخی با لیست امید رای آورده اند ولی به کس دیگری دارند رای می دهند، این گلایه حزبی درستی است. اما در کشور ما کاندیداها مقید به احزاب نیستند. ما موارد متعددی داشتیم در فلان شهرستان که دوستی به ما مراجعه کرده بود که او را کاندیدای خودمان معرفی کنیم ولی ما قبل از او کسی دیگر را ترجیح داده بودیم، بعد لیست امید به او - که حالا بی کس شده بود - گفته بود ما از تو حمایت می کنیم. و این ها بعضا به ما می گفتند که ما تعهدی به لیست امید نداده ایم و معامله ای انجام نشده و آن ها آمده اند اسم ما را در لیست گذاشته اند. بنابراین داستان انتخابات که حزبی نباشد این اتفاقات گاه پیش می آید. شاید عکس این هم اتفاق افتاده باشد، یک کسی اول رفته باشد نزد اصلاح طلب ها و آن ها قبولش نکردند و بعد جزء کاندیداهای ما شده باشد.

چرا اصولگرایان برای دور دوم انتخابات ضعیف ظاهر شدند؟ در حالی که اصلاح طلبان تحرکات خوبی داشتند و به سفرهای استانی می رفتند.

من خودم خیلی سفر رفتم. دیگر دوستان هم بودند.

به طور مشخص مثلا آقای حداد عادل که سرلیست اصولگرایان بودند، تحرکی نداشت در حالی که عارف که سرلیست اصلاح طلبان بود خیلی فعال بود.

امکان داشت این ذهنیت در فضای مجازی راه بیفتد که مثلا کسی که خودش رای نیاورده آمده است برای کسی دیگر تبلیغ می کند. اینکه من هم خیلی فعال بود چون که من در انتخابات نبودم.

اصولگرایان در تهران شکست سنگینی را متحمل شدند. چرا؟

یک مصاحبه ای اعتماد با آقای حجاریان داشت و بعدش هم با من مصاحبه کرد. انتخابات ریاست جمهوری همواره انتخابات صفر و یکی است. یعنی یک نفر که ۵۰ درصد به اضافه ۱ رای بیاورد می شود رئیس جمهور. اما در پارلمان ها در دنیا این طور نیست و هر کسی به نسبت رایش کرسی می گیرد. منتها انتخابات ما چون انتخابات نسبیتی نیست، عملا انتخابات مجلس ما هم می شود انتخابات مطلق ریاست جمهوری. مثلا در تهران اصلاح طلب ها ۶۰ درصد رای داشتند و ما ۴۰ درصد رای داشتیم، اما انتخابات چون نسبتی نیست ۳۰ نفر از آن ها رفتند و ۱ نفر هم از ما نرفت.

مثلا نفر اول تهران ۱ میلیون ۶۰۰ هزار رای آورد، نفر سی ام تهران ۱ میلیون و ۷۰ هزار رای آورد، نفر سی و یکم که آقای حداد بود و نفر اول ما بود ۱ میلیون و ۵۰ هزار رای آورد، نفر شصتم ۶۶۰ هزار رای آورد و جالب است که نفر شصت و یکم یک دفعه ۸۰ هزار رای آورد، یعنی از ۶۶۰ هزار رای یک سقوط آزاد به ۸۰ هزار رای داشتیم. این هم در حالی اتفاق افتاد که نفر ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ آدم های مشهوری هم بودند. موضوع دیگر اینکه بعضی از کاندیداهای ما که رای نیاوردند، رایشان ۲ برابر رای دوره قبلشان که رای آورده بودند، بود.

من فکر می کنم انتخابات مجلس دهم حداقل دو قدم به جلو بسیار خوب داشتیم که همه باید از آن حفاظت کنیم. یکی اینکه همه فعالان سیاسی به این باور رسیدند که مطالباتشان را باید بروند از صندوق های رای پیگیری کنند نه در خیابان و با لاستیک آتش زدن. تجربه ۷۸ و ۸۸ و مجلس ششم و... کنشگران سیاسی را به این دنتیجه رساند. نکته دوم اینکه انتخابات به سمت حزبی شدن رفت و من این را کاملا مثبت می بینم. یعنی کف رای اصلاح طلب ها شد ۱ میلیون و کف رای ما شد ۶۰۰ هزار تا. اگر انتخابات نسبیتی بود مثلا می گفتند از اصلاح طلب ها ۱۸ نفر و از اصولگراها ۱۲ نفر بروند مجلس. اما انتخابات نسبیتی نیست.

شما از اعداد و ارقام می گویید. یعنی به نظرتان عملکرد مجلس نهم تاثیری بر شکست اصولگرایان نداشت؟

مجلس هفتم به هشتم و هشتم به نهم که تغییر موضع ندادند و هر سه اصولگرا بودند اما در آن ها هم هر بار دوسوم از نمایندگان اصولگرای این مجلس ها رای نیاوردند. معدل رای نیاوردن نماینده ها برای دوره بعد ۶۰ درصد است. یعنی ۶۰-۶۵ درصد نماینده ها برای دوره بعد رای نمی آوردند و این ربطی به خط و ربط آن ها ندارد. در این میان سه مجلس رکورد زدند، پنجم به ششم، ششم به هفتم و نهم به دهم که این عدد تغییرات رفت روی سه چهارم. ما بعضی حوزه های انتخابیه داریم که در هر ۱۰ دوره مجلس ۱۰ نماینده داشته اند.

نقل قولی هست از آقای مصباحی مقدم که گفتند شما پیش از انتخابات گفته بودید، اگر ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در انتخابات تهران شرکت کنند، ۳۰ نفر اصولگرایان رای می آورند، اگر ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر شرکت کنند رای اصولگرایان و اصلاح طلبان ۵۰-۵۰ است و اگر بالای ۳ میلیون شرکت کنند، ۳۰ نفر اصلاح طلبان رای می آورند. این نقل قول درست است؟

نقل قول را قبول دارم ولی قرار نبود در رسانه ها بگویند!

اما این صحبت به این معنی است که اگر مشارکت بالا باشد اصولگراها رای نمی آورند. این را قبول دارید؟

تهران بله این تحلیل را دارد، ولی اصفهان و دیگر جاها اینطور نیست. لذا نمی شود یک جمله را تسری داد به کل کشور و این اشتباه است.

موافقید که بین لاریجانی و روحانی اتحاد وجود دارد؟

بله ولی همه اش نسبی است و اصلا چیز مطلق و صفر و صد در سیاست نداریم. بین من و آقای روحانی هم اتحاد نسبی وجود دارد. حتی بین من و آقای خاتمی هم وجود داشت. آقای لاریجانی بلاشرط حامی آقای روحانی نیست. آقای روحانی هم مشروط حامی آقای لاریجانی است.

نسبت آقای لاریجانی و اصولگراها چگونه است؟

آقای لاریجانی اصلا ظرفیت اصولگرایی است. من حتی دکتر روحانی را هم جزء ظرفیت اصولگراها می دانم.

پس چرا لاریجانی در لیست اصولگرایان نبود؟

در قم هم ما یعنی جبهه پیروان خط امام و رهبری بیانیه دادیم و از آقای لاریجانی حمایت کردیم.

تاجگردون در خاطره ای در مورد انتخابات نائب رئیسی مجلس گفته است به این دلیل کنار کشیده است که لاریجانی به او گفته: «باهنر اگر بیکار باشد، توطئه می کند».

آقای تاجگردون خاطره شان بین خودشان بود و آقای لاریجانی. من نمی دانم درست بود یا نه، حتما که ایشان خلاف نمی گوید. اما بله، یک بار رای آقای تاجگردون با بنده در فراکسیون مساوی شد، بعد یک نفری که غایب بود آمد و به نفع من رای داد. آقای تاجگردون در جلسه سه نفره من و آقای تاجگردون و آقای لاریجانی بودیم، آقای تاجگردون گفت اگر این یک رای هم نبود من ترجیح می دادم باهنر نائب رئیس شود. اما اینکه تاجگردون قبلا با لاریجانی در جلسه ای صحبتی داشته اند و بعد آن نقل قول را گفته اند، من در آن جلسه نبودم. t